

مبانی تئوری انفجار:

۱- مقدمه:

در طول حداقل ۲۰۰ سال گذشته، کاربرد واژه انفجار متداول بوده است. در زمانهای قبل از آن این واژه به تجزیه^۱ ناگهانی مواد و مخلوطهای انفجاری با صدای قابل توجهی نظیر «رعد» اطلاق شده است. این مطلب از دیرباز شناخته شده است که انفجار تجزیه سریع مقدار معینی ماده است که به محض رخداد یک ضربه یا گرمایش اصطکاکی اتفاق می افتد. بنابراین تجزیه این مواد در شرایط مناسب می تواند بصورت ساکت و آرام رخ دهد.

کلمه انفجار^۲ از نظر فنی به معنی انبساط ماده به حجمی بزرگتر از حجم اولیه است. آزاد شدن ناگهان انرژی که لازمه این انبساط است. غالباً از طریق احتراق سریع، دتونیشن^۳ (که در فارسی همان انفجار معنی می شود)، تخلیه الکتریکی با فرایندهای کاملاً مکانیکی صورت می گیرد. خاصیت متمایز کننده انفجار، همانا انبساط سریع ماده است. به نحویکه انتقال انرژی به محیط تقریباً بطور کامل توسط حرکت ماده (جرم) انجام می شود. در جدول زیر مقایسه ای بین چند فرآیند آزادسازی انرژی انجام شده است:

- Decomposition

- Explosion

- Detonation

ماده	فشار (atm)	سرعت سوخت، شدن مواد (g/sec)	چگالی انرژی (Watt/cc)
شعله استیلن	۱	۱	۱۰
باروت تفنگ	۲۰۰۰	۱۰ ^۳	۱۰ ^۶
دتونیشن یک ماده منفجره قوی	۴۰۰۰۰۰	۱۰ ^۶	۱۰ ^{۱۰}

جدول (بالا) مقایسه‌ای بین سه فرایند آزاد سازی انرژی

برای شعله تقریباً هیچ انتقال جرمی به اطراف رخ نمی دهد در حالیکه نیروی پیشرانش یک اسلحه قادر به راندن گلوله است و یک ماده منفجره قوی^۱ هر چیز در تماس با خود را تغییر شکل داده و یا ویران می کند. قدرت منهدم کننده این مواد را «ضربه انفجار»^۲ نامیده می شود که مستقیماً با حداکثر فشار تولید شده مرتبط است. توجه کنید که در جدول (بالا)، هیچگونه توصیفی از محل رخداد (تونیشن ماده منفجره قوی ارائه نشده است. این بدان معناست که فرایند دتونیشن از محدودیتهای فیزیکی مستقل است.

- High explosive

- Brisance

با توجه به مطالب بالا واضح است که دتونیشن تنها یکی از انواع حالات پدیده انفجار است بعبارت دیگر واژه دتونیشن تنها باید به فرآیندی اطلاق شود که در طی آن یک «موج شوک»^۱ انتشار یابد.

متأسفانه بعثت قفرلفات مناسب فنی در زبان فارسی، دتونیشن به معنی عام انفجار ترجمه می شود و بنابراین در ادامه این مبحث برای پرهیز از اشتباه و رسا بودن مطلب همان واژه دتونیشن را به کار برده خواهد شد.

سرآغاز تحقیقات اخیر بر روی دتونیشن به سالهای ۴۵-۱۹۴۰ م. که «زلدویچ» و «ون نیومان» هر یک به طور جداگانه مدل یک بعدی ساختار امواج دتونیشن را فرمولبندی کردند باز می گردد، گرچه یک مدل واقعی سه بعدی تا اواخر سال ۱۹۵۰ م به تاخیر افتاد.

۲- پدیده دتونیشن:

دتونیشن یک واکنش شیمیائی «خود منتشر شونده»^۲ است که در طی آن مواد منفجره اعم از مواد جامد، مایع، مخلوطهای گازی، در مدت زمان بسیار کوتاه در حد میکروثانیه به محصولات گازی شکل داغ و پرفشار با دانسیته بالا و توانا برای انجام کار تبدیل می شود. فرض بگیریید قطعه ای از مواد منفجره، منفجر گردد. به نظر می رسد که همه آن در یک لحظه و بدون هیچ تاخیر زمانی نابود می گردد. البته در واقع دتونیشن از یک نقطه

- shockware

- self propagating

آغازین شروع شده و از میان ماده بطرف انتهای آن حرکت می‌کند. این عمل بخاطر آن
آنی بنظر می‌رسد که سرعت رخداد آن بسیار بالاست.

از نظر تئوری دتونیشن ایده‌ال واکنشی است که در مدت زمان صفر (با سرعت
بی‌نهایت) انجام شود. در اینحالت انرژی ناشی از انفجار فوراً آزاد می‌شود اصولاً زمان
واکنش بسیار کوتاه یکی از ویژگیهای مواد منفجره است. هر چه این زمان کمتر باشد،
انفجار قویتر خواهد بود. از نظر فیزیکی امکان ندارد که زمان انفجار صفر باشد. زیرا کلیه
واکنشهای شیمیائی برای کامل شدن به زمان نیاز دارند.

پدیده دتونیشن با تقریبی عالی مستقل از شرایط خارجی است و با سرعتی که در
شرایط پایدار^۱ برای هر ترکیب، فشار و دمای ماده انفجاری اولیه ثابت است منتشر
می‌شود. ثابت بودن سرعت انفجار، یکی از خصوصیات فیزیکی مهم برای هر ماده
منفجره می‌باشد در اثر دتونیشن، فشار، دما و چگالی افزایش می‌یابند. این تغییرات در اثر
تراکم محصولات انفجار حاصل می‌گردند.

پدیده‌ای که مستقل از زمان در یک چارچوب مرجع حرکت می‌کند. «موج» نامیده
می‌شود و ناحیه واکنش دتونیشن، «موج دتونیشن»^۲ یا موج انفجار نامیده می‌شود. در
حالت پایدار این موج انفجار بصورت یک ناپیوستگی شدید فشاری که با سرعت بسیار
زیاد و ثابت V_D از میان مواد عبور می‌کند توصیف می‌شود واکنش شیمیائی در همسایگی

- steady

- Detonation wave

نزدیک جبهه دتونیشن^۱ است که باعث تشکیل موج انفجار می‌شود. این موج با سرعتی بین 1 km/s و تا 9 km/s ، بسته به طبیعت فیزیکی و شیمیایی ماده منفجره حرکت می‌کند. این سرعت را می‌توان با استفاده از قوانین ترموهیدرودینامیک تعیین نمود. عواملی که در سرعت انفجار نقش دارند عبارتند از: انرژی آزاد شده در فرآیند، نرخ آزاد شدن انرژی، چگالی ماده منفجره و ابعاد خرج انفجاری.

یک مدل ساده برای این پدیده مطابق شکل زیر از یک «جبهه شوک»^۲ و بلافاصله بدنبال آن یک ناحیه انجام واکنش که در آن فشارهای بسیار بالا تولید می‌شود، تشکیل شده است. ضخامت ناحیه واکنش در انفجار ایده‌آل صفر است و هر چه انفجار بحالت ایده‌آل نزدیکتر باشد. ضخامت این ناحیه کمتر است. نقطه پایان این ناحیه، محل شروع ناحیه فشار دتونیشن^۳ است.

مدل یک بعدی دتونیشن

فشار دتونیشن با رابطه زیر به سرعت دتونیشن و دانسیته مواد منفجره وابسته است:

$$P = V_D^2 (P - P_0) \frac{P_0}{P} = P_0 V_D^2 (1 - V) \quad v = \frac{P_0}{P} = \frac{v}{v_0} \quad (1)$$

- Detonation front

- Shock front

- Detonation pressure

که P مصرف فشار دتونیشن و P مصرف چگالی محصولات و P چگالی ماده منفجره است. بر اساس این فرض که چگالی محصولات دتونیشن بزرگتر از چگالی مواد منفجره اولیه است، یک رابطه کاربردی بصورت زیر استخراج می گردد.

$$P = \frac{v_D^2 P_0}{4} \quad (2)$$

از آنجا که زمان رخداد واکنش شیمیائی در یک فرآیند دتونیشن بسیار کوتاه است. انتشار و انبساط گازهای داغ حاصل در ناحیه واکنش بسیار اندک و غیر متحمل است و لذا این گازها هم حجم مواد منفجره اولیه باقی می ماندند. این مطلب دلیل اصلی این نکته است که چرا فشار پشت جبهه انفجار بسیار بالاست. این فشار برای مواد منفجره نظامی در حدود 19 Gpa تا 35 Gpa و برای مواد منفجره جاری کمتر است. همانطور که قبلاً ذکر گردید، موج دتونیشن مستقل از شرایط خارجی است. علیرغم این استقلال، جریان محصولات گازی که در پشت جبهه موج حرکت می کنند به زمان و شرایط مرزی وابسته است برای مثال یک بلوک مستطیل بزرگ از یک ماده منفجره را در نظر بگیرید که بر روی کل یکی از سطوح آن، به طور همزمان دتونیشن آغاز می شود. این سطح در خلا قرار دارد و هیچ مانعی برای انبساط گازها وجود ندارد. موج صفحه ای دتونیشن با سرعت ثابت بدرون ماده پیشروی می کند و گازهای حاصل از انفجار که بلافاصله در پشت این جبهه موج قرار دارند با سرعتی کمتر از سرعت موج که سرعت جرم نام دارد در همان جهت حرکت می کنند. اما در سطح عقبی، گازها مشغول فرار در جهت مخالف هستند (در اثر خلا). همچنین فشار گاز در پشت جبهه موج بسیار بالاست، ولی در خلا

پشت سر، صفر است لذا فشار بصورت منحن وار بین ایندو موقعیت تغییر می کند.
نموداری از تغییرات فشار و سرعت جرم برای یک ماده منفجره جامد در شکل زیر نشان داده شده است.

همانطور که ملاحظه می شود ناحیه همسایه منطقه واکنش بسیار کم تحت تاثیر تغییر شرایط مرزی قرار می گیرد.

آغاز همزمان دتونیشن از روی کل یک سطح مشکل است. در عمل آسانتر است که آغاز انفجار از یک نقطه باشد. در اینحالت موج دتونشین از یک نقطه درون ماده منفجره گسترش یافته و گرادیان فشار در اینحالت از آنچه در شکل صفحه قبل نشان داده شده، تیزتر خواهد بود.

وقتی از مواد منفجره برای راندن و بحرکت در آوردن سایر مواد و سازمانها استفاده می شود محاسبه دقیق پروفیل فشار و سرعت جرم، ورودیهای لازم برای محاسبات حرکت سازه رانده شده می باشد. شکل این پروفیلها به معادله حالت محصولات انفجار وابسته اند، معادلاتی که تلاشهای بسیاری برای بدست آوردن آنها انجام شده و در دست انجام است.

۳- موج شوک^۱

یک موج شوک، جبهه شوک یا مختصراً یک شوک، موجی است که در ماده یک جهش فشاری (یا تنشی) ناگهانی و تقریباً ناپیوسته ایجاد می کند، این موج بسیار سریعتر از امواج صوتی منتشر می شود، بدین معنی که این موج نسبت به محیط پیرامون خود فرا صوتی است و این خاصیت خود را بدون تغییر حفظ می کند.

موج شوک از جمله خواص اغلب مواد است و از خاصیتی از ماده که بر اساس آن سرعت انتقال صوت در ماده بصورت $a = \left(\frac{\partial p}{\partial \rho} \right)_s$ می باشد منتج می شود. اندیس s معرف حالت آنتروپی پایاست. این موج از نظر ترمودینامیکی برگشت ناپذیر است. و لذا آنتروپی سیستم در جبهه شوک در اثر لزجت و هدایت حرارتی افزایش می یابد. امواج شوک که امواج فشاری نیز نامیده می شوند، عامل شتابگیری ذرات ماده، در جهت انتشار خود هستند.

بر اساس مطالب بالا اکنون به تشریح دقیقتر موج شوک در پدیده دتونیشن و نیز در
قطعه کار (ورق فلزی) می پردازیم.

۱-۳- موج شوک در فرآیند دتونیشن:

موج شوک عبارتست از یک ناپایداری شدید فشاری (هیدرودینامیکی) که با سرعت
ثابت و بسیار بالا، از میان مواد منفجره عبور می کند. واکنش شیمیائی در پشت و در
همسایگی بسیار نزدیک آن رخ داده و موج شوک را پشتیبانی می کند. موج شوک و ناحیه
واکنش مجموعاً «جبهه انفجار» را تشکیل می دهند. ضخامت موج شوک در حدود
 0.001mm و ضخامت ناحیه واکنش در حدود 1mm تا 1cm است. شکل زیر ساختمان
یک جبهه انفجار را نشان می دهد.

۲-۳- موج شوک در سطح قطعه کار:

یک بلوک بزرگ از ماده منفجره را در نظر بگیرید که دارای دو سطح موازی هم است،
در نظر بگیرید. یکی از این سطوح در تماس با یک ورق بزرگ و تخت فلزی است و از
روی سطح موازی آن، بطور همزمان یک دتونیشن صفحه ای آغاز می شود. بدین ترتیب
یک جبهه انفجار تخت درون بلوک پیشروی خواهد کرد. هنگامیکه هنوز این جبهه به
سطح ورق فلزی نرسیده است، فشار در این سطح برابر فشار اولیه باقی خواهد ماند. اما
درست در لحظه ای که موج دتونیشن به این سطح می رسد یک پرش ناپیوسته فشار، به
فشار دتونیشن که بالغ بر چند صد هزار اتمسفر می شود، بر روی سطح رخ می دهد. این
فشار عظیم باعث می شود که فلز وادار به حرکت می شود. این حرکت در ابتدا از سطح

تماس ورق و مواد منفجره آغاز شده و سپس در کل ضخامت ورق پیشروی می‌کند که مطابق شکل صفحه بعد مرز بین فلز متحرک با فلزی که هنوز شروع به حرکت ننموده است. موج شوک نام دارد. توجه کنید همانطور که در دتونشین، موج شوک مرز مشترک ناحیه آرام و مغشوش است. در سطح فلز نیز مرز بین سکون و حرکت فلز است. هر دو موج یک ناپیوستگی شدید در محیط مربوط به خود بوجود می‌آورند. ولی یک تفاوت عمده بین موج شوک منتشر شده در فلز با موج شوک دتونیشن وجود دارد و آن این است که برخلاف موج شوک دتونیشن، سرعت و فشار خود را از دست می‌دهد. علت این امر به تفضیل در بخش

در پشت شوک، فلز در حال حرکت است و به دانسیته‌ای بزرگتر از مقدار اولیه خود متراکم می‌شود. حتی موادی که معمولاً تراکم ناپذیر در نظر گرفته می‌شوند، بطور محسوسی در برابر این موج متراکم می‌شوند. تراکم فلز آنرا گرمتر خواهد ساخت. بنابراین موج شوک مرز بین فلز داغ و سرد نیز خواهد بود.

۴-۳- معادلات و روابط حاکم در دتونیشن یک بعدی

در اثر واکنش شیمیایی با سرعت خیلی زیاد (چند کیلومتر بر ثانیه) که با درجه حرارت و فشار بالا انجام می‌شود و در پشت سر خود محصولات گازی و پر فشار را ایجاد می‌کند، می‌گویند انفجار انجام شده است انفجار حالت دائم در ماده منفجره با سرعت ثابت حرکت ولی انفجار ایده‌آل انفجاری است که در آن واکنش در زمان صفر (با سرعت بی‌نهایت زیاد) انجام شود. چون طبق تعریف زمان انجام واکنش برابر صفر

است انرژی ناشی از انفجار فوراً آزاد می شود و فشار بسیار بالایی تولید می کند همانطور که می دانید یکی از علت هایی که مواد انفجاری فشار بالایی را تولیدی می کنند مربوط به زمان کوتاه واکنش آنها می باشد. البته از نظر فیزیکی چنین چیزی امکان ندارد زیرا کلیه واکنش های شیمیایی برای کامل شدن به زمان محدودی نیاز دارند، بنابراین مرز بین مواد واکنش یافته و مواد اولیه دقیقاً بر هم منطبق نیست و ناحیه ای با ضخامت محدود بین این دو مرز وجود دارد که این ناحیه را ناحیه واکنش گویند. اگر دستگاه مختصات بر روی جبهه انفجار قرار داده شود. در آن صورت این ناحیه از نظر هندسی بدون تغییر باقی می ماند. علت اصلی این کار این است که با قرار دادن دستگاه مختصات بر روی جبهه انفجار، فرایند از نظر ریاضی حالت پایدار پیدا می کند ولی اگر مبدا مختصات در روی یک نقطه ثابت قرار داشته باشد فرآیند غیردائم است و تجزیه تحلیل آن مشکل می شود). چون انرژی ای که می کند، ثابت بودن سرعت انفجار یک مشخصه فیزیکی و مهم برای ماده منفجره می باشد با استفاده از این خاصیت (همانطور که در شکل زیر نشان داده شده است) می توان آن را به شبیه به یک ناپیوستگی تیز دانست که با سرعت صابت انفجار v_D در طول ماده منفجره حرکت می کند.

در سمت راست جبهه انفجار مواد منفجره واکنش نیافته با مشخصات v_0 و P و T و E وجود دارند و در سمت چپ جبهه انفجار محصولات گازی با خواص v و P و T و E قرار دارند. البته فرض شده است که تمام مواد منفجره در واکنش شرکت کرده اند. در اثر انفجار گازهایی در دمای بالای T و فشار زیاد P به وجود آمده است و در اثر

فشرده شدن گازها دانسیته آنها به P رسیده است که از P بیشتر می‌باشد و سرعت جریان (U) و در جهت راست می‌باشد.

انفجار در زمان محدود و معینی انجام می‌شود، این نوع انفجار را انفجار واقعی گوئیم. باعث پیشرفت انفجار در طول ماده منفجره می‌شود از این ناحیه سرچشمه می‌گیرد. ماهیت این ناحیه مهم است و تاثیر زیادی روی سرعتهای انفجار و ابعاد و کارایی مواد منفجره دارد. ضخامت ناحیه انفجار برای مواد منفجره مختلف با هم تفاوت دارد که این امر باعث تفاوت سرعت انفجار آنها می‌شود. ضخامت ناحیه انفجار در انفجار ایده‌آل برابر صفر است و هر چه انفجار به حالت ایده‌آل نزدیک‌تر باشد ضخامت این ناحیه کمتر است.

در بررسی فرآیند دتونیشن اصطلاح منحنی هوگونیت زیاد به چشم می‌خورد. منحنی هوگونیت روابطی را که شرایط موجود در جبهه شوک را توصیف می‌کنند بیان می‌کند. این معادلات را معادلات رانکین-هوگونیت می‌نامند. از رسم این معادلات در صفحه $P-V$ منحنی‌های هوگونیت بدست می‌آید.

قوانین بقای جرم و اندازه حرکت را باید از دید ناظری که با سرعت موج حرکت می‌کند و بر روی جبهه موج قرار دارد بررسی کرد، برای نوشتن معادلات حجم کنترلی را در نظر گرفته و روابط مربوطه نوشته می‌شود.

برای داشتن یک ایده کلی از معادلات دتونیشن ابتدا به بررسی معادلات کلی انفجار پرداخته می شود و سپس معادلات رانکین- هوگونیت انفجار توضیح داده می شود. شکل دیفرانسیلی این معادلات بصورت زیر می باشد.

$$\frac{\partial p}{\partial t} + \frac{\partial [pu_j]}{\partial x_j} = 0 \quad \text{معادله پیوستگی}$$

معادلات، معادله حالت گازهای حاصل از انفجار و نیز تعیین مکانیزم واکنش شیمیایی لازم است. همانطور که از شکل معادلات پیداست، حل تحلیلی برای آنها وجود ندارد و حل عددی آنها حتی با فرض اینکه معادلات حالت و مکانیزم واکنش معلوم باشد. بسیار مشکل است، (برای بدست آوردن معادله حالت باید فشار و دما و حجم را اندازه گیری کرد و با ارتباط دادن آنها به هم معادله حالت را بدست آورد، چون فشار و دمای ناشی از انفجار بسیار زیاد است معادله حالت را نمی توان به روش معمولی بدست آورد و برای بدست آوردن این معادله از روشهای غیر مستقیم استفاده می شود). اگر معادلات بالا برای حالت یک بعدی نوشته شود، سیستم معادلات به صورت زیر در می آید:

$$\begin{aligned} \frac{\partial p}{\partial t} + \frac{\partial (pu)}{\partial x} &= 0 \\ \frac{\partial (pu)}{\partial t} + \frac{\partial (pu^2 + p)}{\partial x} &= 0 \\ \frac{\partial (pe_t)}{\partial t} + \frac{\partial (pu(e_t + \frac{p}{\rho}))}{\partial x} &= 0 \\ \frac{\partial (p\lambda)}{\partial t} + \frac{\partial (pu\lambda)}{\partial x} &= PR \end{aligned}$$

$$p = p(p, e_t, \lambda)$$

معادله ممتنم:

$$p \left[\frac{\partial u_i}{\partial t} + U_j \frac{\partial u_i}{\partial x_j} \right] = - \frac{\partial p}{\partial x_i} + \frac{\partial}{\partial x_i} \left[\mu \left[\frac{\partial u_i}{\partial x_j} + \frac{\partial u_j}{\partial x_i} \right] \right]$$

معادله انرژی:

$$p \left[\frac{\partial e_t}{\partial t} + U_j \frac{\partial e_t}{\partial x_j} \right] = - \frac{\partial q_i}{\partial x_i} + \dot{Q} + \frac{\partial z_{ij} u_i}{\partial x_j}$$

معادله پیوستگی اجزای شیمیایی:

$$p \left[\frac{\partial y_i}{\partial t} + u_j \frac{\partial y_i}{\partial x_j} \right] + \frac{\partial (p y_j v_i)}{\partial x_i} = \dot{\omega}_i$$

$$e_t = \frac{1}{2} (u_i \cdot u_i) + \sum y_i h_i - \frac{p}{\rho}$$

$$h_i = h_{fi} + \Delta h_i$$

$$p = p(p, t, y_i)$$

معادله حالت:

در عبارات بالا i از ۱ تا $N-1$ تغییر می کند. همانطور که مشخص است، این سیستم دارای $N+5$ معادله و $N+5$ مجهول است و چون تعداد معادلات و مجهولات مساوی است می توان این سیستم را حل نمود. برای حل کردن N جزء جرمی محصولات واکنش است و R سرعت پیشرفت واکنش بر واحد جرم است. چون روش معرفی شده و معادلات گفته شده فقط به خاطر آشنایی با معادلات مربوط به انفجار بود، حالت خاصی که بیشتر به موضوع بحث مربوط است در نظر گرفته می شود. با بکار بردن معادلات

بقای جرم و ممتم و انرژی برای سیستم نشان داده شده در شکل * معادلات زیر بدست

می آیند:

$$\frac{V_D}{v_0} = \frac{V_D - u_1}{v_1} \quad (1)$$

$$\frac{V_D^2}{v_0} + P_0 = \frac{(V_D - u_1)^2}{v_1} + P_1 \quad (2)$$

$$E_0 + \frac{1}{2}V_D^2 + P_0v_0 = E_1 + \frac{1}{2}(V_D u_1)^2 + P_1v_1 \quad (3)$$

با استفاده از معادلات فوق معادلات زیر بدست می آیند.

$$P_1 - P_0 = \frac{V_D^2}{v_0^2}(v_0 - v_1) = \frac{V_D u_1}{v_0} \quad (4)$$

$$V_D = v_0 \sqrt{\frac{P_1 - P_0}{v_0 - v_1}} \quad (5)$$

$$u_1 = (v_0 - v_1) \sqrt{\frac{P_1 - P_0}{v_0 - v_1}} \quad (6)$$

$$E_1 - E_0 = \frac{1}{2}(P_1 + P_0)(v_0 - v_1) \quad (7)$$

با استفاده از معادله (۴) می توان نتیجه گرفت که حجم ویژه در پشت جبهه انفجار

کمتر از جلوی جبهه انفجار است، چون $P_1 - P_0$ مقدار مثبتی است و v_0^2 و v_D^2 نیز مقادیر

مثبتی هستند، پس باید $v_0 - v_1$ بزرگتر از صفر باشد، در نتیجه v_1 باید کوچکتر از v_0

باشد. با استفاده از معادله (۵) و با توجه به مثبت بودن v_0 نتیجه می شود که V_D مثبت

است و چون طبق معادله ها u_1 باید مثبت باشد، می توان نتیجه گرفت که u_1 و V_D باید

هم جهت باشد (u_1 سرعت ذرات انفجار است)

اگر معادله حالت محصولات انفجار معلوم باشد می توان تمام مقادیر P_1 و v_1 را که معادله (v) را ارضا می کنند یقین نموده. منحنی گذرنده از این نقاط، منحنی (رانکین - هوگونیت)^۱ نام و در شکل صفحه قبل با منحنی AB نامگذاری شده است. چون v_1 کمتر از v_0 است نقطه ای که مختصات آن (P_1, v_1) است باید در سمت چپ نقطه ای که دارای مختصات (P_0, v_0) است قرار داشته باشد.

سوالی که باید به آن جواب داده شود این که با فرض دانستن (P_0, v_0) نقطه (P_1, v_1) کجای منحنی رانکین - هوگونیت واقع است. نقطه تعادل محصولات پشت جبهه انفجار، نقطه تماس منحنی رانکین - هوگونیت و خط مستقیمی است که از نقطه (P_0, v_0) بر این منحنی مماس شده است. این خط مستقیم «خط وایلن» نام دارد که موقعیت ابتدایی (P_0, v_0) را به موقعیت نهایی (P_1, v_1) متصل می سازد. بعبارت دیگر تحول واقعی انجام شده باید در امتداد خط وایلی انجام شود. ملاحظه می شود که شیب این خط منحنی است و مقدار آن به شرایط اولیه مساله و سرعت دتویشن بستگی دارد.

محل تماس خطر رایلی با منحنی رانکین - هوگونیت، نقطه «چاپمن - ژوگت»^۲ نامیده می شود. این نقطه مشخصات ترمودینامیکی یک دتویشن واقعی را به دست می دهد.

منحنی رانکین - هوگونیت، یکی منحنی ثابت در صفحه $p-v$ است و نقطه (P_0, v_0) هر جای این منحنی واقع شود. نقطه CJ همان محل تماس خط رایلی را با

- Ranking - Hogoniot

- Chapman - joguet

منحنی است. بنابراین با تغییر موقعیت نقطه (P_0, ν_0) در صفحه، محل نقطه CJ هم بر روی منحنی تغییر خواهد کرد.

انفجار ایده آل:

امواج انفجاری بر اساس قوانین توموهایدرودینامیک معمولاً در سرعت ثابتی که مقدار آن به انرژی شیمیائی آزاد شده در انفجار، نرخی که این انرژی آزاد می شود، دانسیته ماده منفجره و قطر خرج بستگی دارد منتشر می شود. \dot{D} که بر اساس هیدرودینامیک مقدار ماکزیمم حاصل شده از تئوری می باشد به انفجار ایده آل نسبت داده می شود. همانطور که می دانیم با افزایش قطر خرج سرعت انفجار انفجار هم افزایش می یابد ولیکن اگر قطر خرج به حد معینی برسد دیگر افزایش بعدی قطر در سرعت انفجار تاثیر ندارد و طول خرج هم اگر از اندازه معینی بزرگتر باشد دیگر افزایش بعدی در طول خرج تاثیری در سرعت نخواهد داشت. برای بدست آوردن این سرعت ماکزیمم (D^*) از طریق تجربی به این صورت عمل می شود که در فاصله بقدر کافی دور از نقطه شروع انفجار در خرج لوله ای که قطر آن بقدری بزرگ باشد که دیگر افزایش بعدی در قطر خرج نتواند باعث افزایش سرعت شود مقداری بدست می آید که همان D^* می باشد.

ممکن است بوسیله بوسترگذاری قوی که در ماده منفجره مفروض صورت می گیرد سرعتی بالاتر از D^* مشاهده شود. اما این فقط در مجاورت آنی بوستر روی می دهد و همیشه این عمل همراه با کاهش سرعت است بطوریکه در فاصله طولانی کافی از نقطه شروع یا چاشنی گذاری سرعت به مقدار D^* افت پیدا می کند و این زمان است که

شرایط ایده آل باشد و در غیر اینصورت به مقدار D که کوچکتر از D^* است نزول می یابد. انفجار غیر ایده آل مربوط می شود به انتشار حالت یکنواخت موج در یک سرعتی که کمتر از سرعت ایده آل D^* باشد. و این غیر ایده آل شدن به نرخ تبدیل ماده منفجره به محصولات انفجار و اختلافات فشار و حرارت جانبی مربوط می گردد. سرعتهایی با مقدار کمتر یا بیشتر از D^* که بر اثر بوسترگذاری ضعیف با قوی ایجاد می شوند تحت عنوان امواج انفجاری ناپایدار و گذرا بررسی می شوند. بدین ترتیب اگو انفجار ثابت و پایدار در خروجی که دارای طول کافی بزرگ (L) است سرعت آن برابر D^* باشد به آن انفجار ایده آل می گویند، اما اگر این سرعت نهایی با حالت یکنواخت کمتر از D^* باشد به آن غیر ایده آل می گذارند.

سرعت انفجار ایده آل بطور کامل بوسیله ترمویدرودینامیک ماده منفجره و متغیرهای مستقل ρ_0 دانسیته اولیه ماده منفجره و ترکیب شیمیایی آن تعیین می شود. همه کمیته ها حداقل در اصول با استفاده از تئوری ترمویدرودینامیک و یک معادله حالت مناسب قابل محاسبه می باشند. برای ماده منفجره ایده آل مفروضی که سرعت فقط تابع دانسیته اولیه یعنی $D=D(P_0)$ است سه نوع رابطه اساسی متفاوت برای $D(P_0)$ در انفجار ایده آل بدست آمده است که متداول ترین آن رابطه خطی ویژه $D(P_0)$ برای مواد منفجره جامد $C-H-N-O$ در دانسیته ایی بین ۰/۵ و حالت کریستالی ماده منفجره می باشد. این رابطه بوسیله فرمول زیر بیان می شود.

$$D^* = D^* P_0^0 + M^* (P_0 - P_0^0) \quad (1)$$

که $D^*P_0^0$ سرعت انفجار در دانسیته P_0^0 و M^* شیب منحنی یا خط سرعت بر حسب دانسیته می باشد. علامت ستاره هم نشان دهنده انفجار ایده‌آل می باشد. برای مقایسه مستقیم مواد منفجره، غالباً مناسب این است که مقدار P_0^0 برابر $1g/cc$ انتخاب گردد.

با روشهای موجود سرعت حقیقی خرج مفروضی با دقتی در حدود ۰/۱ در صد امکان اندازه‌گیری دارد. اما منحنی $D(P_0)$ بندرت این دقت را دارا می باشد و علت آنهم نوسان و تغییرات در دانسیته خرج و خطای عملی در سنجش P_0 می باشد. در مواد منفجره ریختگی، پرسی و مایع ممکن است کسی بتواند P_0 را با دقت بالائی اندازه بگیرد. اما در خرجهای دانه‌ای و فله‌ای برای اینکه در اندازه‌گیری P_0 دقتی بهتر از ۲ درصد بدست آید مشکل زیادی خود را نشان می دهد. به این دلیل است که در کتابها به طور مکرر برای فاکتورهای $D^*P_0^*$ و M^* مربوط به معادله (۱) اختلافاتی دیده می شود. در جدول صفحه بعد پارامترهای معادله (۱) را برای بخشی از مهمترین مواد منفجره که اطلاعات تجربی آنها در دسترس می باشد لیست کرده است. در انفجار ایده‌آل گازی نسبت به مواد منفجره فشرده شده دیده می شود که سرعت انفجار، حساسیت خیلی کمتری به P_0 دارا می باشد و این امر به خاطر پیروی کردن آنها از قوانین گاز ایده‌آل می باشد.

جدول زیر پارامترهای معادله (۱) را برای تعدادی از مواد منفجره نشان می دهد

	Density (P_0^0) (g/cc)	$D^0 p_0^0$	M^*
TNT	۱,۰	۵,۰۱۰	۳,۲۲۳
PETN	۱,۰	۵,۵۵۰	۳,۹۵۰
۵۰/۵۰ Pentolite	۱,۰	۵,۱۸۰	۳,۱۰۰
RDX	۱,۰	۶,۰۸۰	۳,۵۹۰
Composition A	۱,۶	۸,۱۸۰	۴,۰۰۰
Composition B	۱,۶	۷,۵۴۰	۳,۰۸۰
Composition C	۱,۵	۸,۱۰۰	
Composition C _r	۱,۵۷	۷,۸۵۰	
Tetryl	۱,۰	۵,۶۰۰	۳,۲۲۵
۶۵/۳۵ Tetrytol	۱,۶	۷,۳۰۰	۳,۴۰۰
Picric acid	۱,۰	۵,۲۵۵	۳,۰۴۵
Haleite (EDNA)	۱,۰	۵,۹۱۰	۳,۲۷۵
Ammonium picrate	۱,۰	۴,۹۹۰	۳,۴۳۵
Nitroguenidine	۱,۰	۵,۴۶۰	۴,۰۱۵
Lead azide	۴,۰	۵,۱۰۰	۵۶۰

<i>Mercury fulminate</i>	۴,۰	۵,۰۵۰	۸۹۰
۵۰/۵۰ sodatol (TNT.SN)	۱,۰	۴,۱۰۰	۲,۵۸۰
۵۰/۵۰ Amatol (TNT-AN)	۱,۰	۵,۱۰۰	۴,۱۵۰
<i>DINA</i>	۱,۰	۵,۹۵۰	۲,۹۳۰
<i>NENO</i>	۱,۰	۵,۵۳۰	۳,۶۸۰
<i>Fivonite</i>	۱,۰	۵,۲۱۵	۳,۴۱۰
<i>Sixonite</i>	۱,۰	۵,۶۷۰	۳,۳۶۰
<i>No (liquid)</i>	۱,۵۰	۷,۸۰۰	
۶۰/۴۰ N۶-DNT	۱,۵۰	۷,۰۰۰	
۶۰/۴۰ Ednatol	۱,۵۰	۷,۵۱۰	۳,۳۲۵

در مورد گازهای ایده‌آل می‌توان نشان داد که سرعت اندازه گرفته شده با آن سرعتی که بر اساس تئوری هیدرودینامیک و قانون گاز ایده‌آل محاسبه می‌شود موافقت خیلی نزدیک را دارا می‌باشد. متداول این است که سرعت ایده‌آل (D^*) مواد منفجره گازی را مستقل از دانسیته فرض می‌کنند، ولیکن به علت تاثیر دانسیته روی تجزیه محصولات انفجار در درجه حرارتهای بالای انفجار و تاثیر وزن مولکولی روی سرعت‌های ذرات، در واقع سرعت با تغییر آهسته‌ای تابع دانسیته می‌باشد. از استعمال نامهای ایده‌آل و غیر ایده‌آل همانطوریکه برای انتشار امواج انفجار حالت یکنواخت بکار رفت می‌توان گفت

که همه مواد منفجره هر دو نوع رفتار را به نمایش می گذارند، فقط ضروری است که قطر خرج به قدری بزرگ انتخاب شود که رفتار ایده آل مشاهده گردد. یا بقدری کوچک که انفجار غیر ایده آل دیده شود. گزارش مربوط به غیر یکنواختی و یا پدیده ناپایداری است. انفجار غیر ایده آل با این وجود تحت شرایط ویژه (قطر خرج و محدودیتها) یکنواخت و پایدار است. در خرج های استوانه ای بین قطر بحرانی dc که زیر آن انتشار انفجار یکنواخت صورت نمی گیرد و قطر مینیمم d^*m برای انفجار ایده آل، عموماً منحنی های سرعت بر حسب قطر نشان می دهد که پیوسته با افزایش قطر می توان از سرعت یکنواخت مینیمم در dc به D^* در d^*m رسید. رفتار ایده آل بنابراین مطابق با $d \geq d^*m$ می باشند. اکنون می گوئیم که دامنه رفتار غیر ایده آل $dc < d < d^*m$ بستگی به درجه محدودیت و نرخ واکنش ماده منفجره دارد. نرخ واکنش هم بستگی به حالت فیزیکی ماده منفجره دانسیته اولی آن و اندازه ذرات می باشد. اندازه ذرات را اگر افزایش دهیم عموماً هر دو dc و d^*m افزایش می یابند. اضافه کردن قیود و محدودیت در قطر ثابت بطور یکنواخت باعث افزایش سرعت در منطقه غیر ایده آل می شود بعلاوه اینکه هر دو مقدار dc و d^*m را کاهش می دهد.

لایه شوک - لایه واکنش

در هر انفجار یک لایه متحرک به نام لایه انفجار وجود دارد که در طول ستون ماده منفجره حرکت کرده و آن را منفجر می کند. سرعت حرکت این لایه مصرف سرعت

انفجار است و آنچه که معمولاً سرعت انفجار گفته می‌شود سرعت حرکت این لایه در طول ستون ماده منفجره می‌باشد. لایه انفجار از دو قسمت تشکیل گردیده است:
الف: لایه شوک با ضخامت حدود 10^{-5} سانتی‌متر که به آن موج شوک یا موج ضربه‌ای هم می‌گویند و هیچ واکنش شیمیایی در این قسمت انجام نمی‌گیرد. ولی فشار به حداکثر خود می‌رسد.

ب: لایه بعدی منطقه انجام واکنشهای شیمیایی است و ضخامت آن حدود ۰/۱ تا ۱ سانتی‌متر می‌باشد. به دنبال لایه انفجار نیز محصولات گازی در حرکت هستند. چون انرژی که باعث پیشروی انفجار در طول جسم می‌گردد از ناحیه واکنش سرچشمه می‌گیرد، بنابراین چگونگی این ناحیه نشان مهم یک ماده منفجره می‌باشد که تاثیر زیادی روی سرعتهای انفجار و ابعاد و کارایی خرجهای معمول دارد. مواد منفجره‌ای تی ان تی، تتریل زمان واکنش بسیار کوتاهی دارند حدود ۱ تا ۲ میکروثانیه که نشان می‌دهد طول ناحیه انفجار بایستی از مرتبه ۲ یا ۳ میلی‌متر باشد. نیتروگلیسیرین که خیلی سریعتر در واکنش شرکت می‌کند دارای ناحیه واکنش به طور فقط $0/4 \text{ mm}$ است. مواد منفجره‌ای که کندتر در واکنش شرکت می‌کنند دارای ناحیه واکنش طولانی‌تر می‌باشند.
با توجه به اینکه واکنش به سرعت صورت می‌گیرد، کاملاً واضح است که توزیع دما، فشار دانسیته در طول ناحیه واکنش نمی‌تواند یکنواخت باشد. در شکل زیر رابطه هر یک از این پارامترها با مکان در طول ناحیه واکنش نشان داده شده است.

توجه کنید که قبل از اینکه واکنش شروع شود فشار ناگهان به مقدار ماکزیمم خود می‌رسد.

نشان دهنده تغییرات فشار و درجه حرارت و دانسیته در طول منطقه واکنش می‌باشد. به خاطر این افزایش ناگهانی در فشار است که واکنش دائماً شروع می‌شود. هنگامیکه انفجار پایدار صورت بگیرد. وضعیت به صورت دائم باقی می‌ماند. فشار زیاد که از واکنشهایی که قبلاً صورت گرفته است. ناشی می‌شود و به قسمت بعدی که تحت واکنش قرار می‌گیرد می‌رسد. به هنگامیکه واکنش کامل می‌گردد، فشار در پشت جبهه موج فوراً افت می‌کند و به مقدار ثابتی که فشار انفجار است می‌رسد تغییرات دانسیته از تغییرات فشار تبعیت می‌کند، دانسیته ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد. از طرف دیگر ما پس از یک پرش ابتدائی کمابیش با پیشروی واکنش افزایش می‌یابد. در یک ماده منفجره با مقدار نامحدود ابعاد ناحیه واکنش اهمیت ویژه‌ای ندارد و تاثیر کمی روی سرعت پیشروی جبهه انفجار دانسیته و مقدار انرژی آزاد شده طی واکنش که پارامترهای کنترل کننده‌ای می‌باشند دارد. وضعیت برای خرجهایی با مقدار محدود کاملاً متفاوت است. هنگامیکه ابعاد ناحیه واکنش متناسب با ابعاد خرج انفجار باشد، این ابعاد بسیار مهم می‌گردند. تحت این شرایط محصولات انفجار می‌توانند از اطراف منبسط شوند و بدون اغراق قبل از اینکه واکنش کامل گردد از محیط خارج شوند و بدینوسیله از ارائه کامل انرژی درونی ذاتی انفجار جلوگیری می‌شود.

تاریخچه:

انرژی انفجار عمدتاً به عنوان ابزاری قدرتمند جهت تخریب به کار گرفته شده و اثرات سودمند آن کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، با اینکه سالیان بسیاری است که بشر این انرژی توانمند را به کار گرفته، لکن از سال ۱۹۵۰ تحقیقات در زمینه بکارگیری آن در جهت تولید و سازندگی آغاز گردید.

آنچه در ابتدای مطالعات توجه محققان را معطوف خود داشت، چگونگی رفتار قطعه در مقابل امواج دینامیک ناشی از انفجار بود که در این راستا جهت بررسی تغییر شکل لحظه‌ای قطعات در مجاورت انفجار تلاشهایی صورت گرفته است.

با ابداعاتی که توسط Johnson انجام گرفت، روشهای شکل دهی انفجاری جایگاه خود را در اذهان پیدا کرد. وی در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ با استفاده از مختصات اگر انرژی برای مسائل دو بعدی با تقارن مدوری تحت اثر ضرب در ناحیه الاستیک - پلاستیک، یک روش تحلیلی ارائه نمود و با ارائه مثالهایی نظیر گلوله کره و استوانه نیکیلی (با سرعت 150 m/sec) با صفحات ضخیم آلومینیومی، آنرا تشریح کرده.

Jones در سال ۱۹۷۲، طی مقاله مفصلی، به بیان چگونگی پاسخ فلز به بارگذاری ضربه‌ای ناشی از انفجار یک ماده منفجره در تماس با سطح آن پرداخت. در این مقاله، سلسله اتفاقاتی که در طی رخداد فرآیند انفجار در یک ماده منفجره رخ می‌دهد، چگونگی تولید و انتشار موج شوک در درون ماده منفجره و درون فلز و نیز برهمکنش موج شوک با فلز، به تفصیل توضیح داده شده است.

Pearson در سال ۱۹۷۲، در رابطه با روشهای کاربردی شکل دهی انفجاری، تحقیقاتی انجام داد و ضمن بیان پارامترهای موثر، فرآیندهای شکل دهی را با توجه به موقعیت ماده منفجره نسبت به سطح قطعه کار طبقه بندی نمود.

Zernow و Lieberman در سال ۱۹۷۲ با بیان چند مثال علمی، به بیان «تعامل ملاحظات فنی و اقتصادی» در فرآیندهای انفجاری پرداختند و در طی آن راهنماییهای ارزنده‌ای درباره نحوه ساخت و انتخاب جنس مواد مختلفی که تجهیزات سیستم شکل دهی باید از آنها ساخته شوند بنحوی که از لحاظ اقتصادی و فنی قابل توجیه باشند ارائه نمودند.

Heifitz در سال ۱۹۷۳ با ارائه مثالهایی در خصوص پوسته کروی و صفحه دایروی و مطالعه برآمدگی آنها پس از اعمال ضربه، ضمن توجه به تغییر شکلهای بزرگ و روند رشد کرنش پلاستیک با زمان، معادلات اساسی (روابط تنش - کرنش) را فقط به شکل عددی المان محدود به کار گرفته است.

Osaka و همکاران در سال ۱۹۸۶، تغییر شکل ورقهای گرد را برای ساخت مخازن تحت فشار، بوسیله انفجار در زیر آب و با استفاده از مختصات لاگرانژی و استفاده از روش تفاضل محدود مورد بررسی قرار داده‌اند و در بررسی معادلات تنش - کرنش، رفتار فلز را فقط بصورت الاستیک - کاملاً پلاستیک در نظر گرفته‌اند.

Fujita و همکاران در سال ۱۹۹۵ با ارائه سه مدل رفتاری در ناحیه الاستیک - پلاستیک صفحه فلزی تحت اثر بار ناگهانی با فشار یکنواخت را تحلیل نمودند و نشان

دادند که اثر موجهای خمشی روی مکانیزم تغییر شکل، با روش تحلیلی یکسان است و حاصل کار هماهنگی خوبی را نشان می‌دهد، حتی اگر اثرات کرنش و نرخ سخت شوندگی آن بر روی تغییر شکل‌های بوجود آمده منظور شود.

Comstock و همکاران در سال ۲۰۰۱ روش جدیدی برای شبیه‌سازی آزمایش‌های شکل‌دهی انفجاری صفحات، ارائه کردند و نشان دادند که این روش ابزار مهمی برای تشخیص شکل‌پذیری و تحمل بارهای خارجی برای آلیاژهاست. این شبیه‌سازی، بوسیله تئوری قوی و در محدوده بزرگی از تغییر شکل (تا حد کشش عمیق) انجام شده است، ولی در طی آن به عامل زمان و سرعت بارگذاری توجهی نشده است.

Zhang و Mynors در سال ۲۰۰۲ و در طی یک مقاله بسیار مفصل به بررسی همه جانبه تواناییها و قابلیت‌های شکل‌دهی انفجاری پرداختند. در تاریخچه این اثر تحقیقی، روندی که در طی آن فرآیند شکل‌دهی انفجاری به یک روش تولیدی موفق و سودمند تبدیل شده است شرح داده شده است.

در طی یک دهه اخیر توسط لیاقت و همکاران، تحقیقات گسترده‌ای در داخل کشور، بر روی فرآیندهای شکل‌دهی در سرعت‌های بالا انجام گرفته و در حال انجام است مخصوصاً آزمایش‌های شکل‌دهی انفجاری آنان که به منظور تولید قطعات مخروطی برای کاربردهای نظامی و غیر نظامی انجام گرفت. بسیار قابل توجه است.

درویزه، پاشایی در سال ۱۳۸۱ با ساحت دستگاه شکل دهی ورقهای فلزی بروش انفجار مخلوط گازها، فعالیت های داخلی را وارد مرحله جدیدی نمود. استفاده از گاز بعنوان ماده منفجره یکی از جدیدترین رویکردهای شکل دهی انفجاری است.

شکل دهی فلزات با سرعت بالا:

فرایندهای شکل دهی فلزات در سرعت بالا *(H.V.F) High Velocity Forming* یکی از دستاوردهای مهم و ارزشمند صنعتی در عصر اتم و فضا محسوب می شود. این فرایندها ثابت کرده اند که در حل بسیاری از مسائل و مشکلات تولید که با استفاده از روشهای صنعتی بسیار مشکل، زمانبر و گران تمام می شود. بسیار مفید و توانمند هستند بزرگ شدن ابعاد قطعه کار، لزوم استفاده از مواد بسیار سخت و مقاوم در برابر روشهای متداول ماشینکاری و لزوم تولید قطعاتی دقیق و پیچیده از عوامل توسعه و پیشرفت دانش فنی این روش محسوب می شود اما عمده ترین مزیت این روشها، قابلیت آنها برای شکل دهی قطعات یکپارچه بسیار پیچیده، تنها در یک مرحله کاری می باشد. در حالیکه تولید چنین قطعاتی با روشهای سنتی تولید، ممکن است در چند مرحله و به کمک چندین فرایند جداگانه انجام شود و در نهایت به تولید یک سازه جوشکاری شده بینجامد. [۱]

گسترده گی و تنوع منابع انرژی و روشهای اعمال آن برای تغییر شکل قطعه کار، سطح و توانایی روشهای شکل دهی سریع را قابل مقایسه و رقابت با روشهای سنتی شکل

نموده است گسترده موادی که در این روش قابل استفاده اند بسیار متنوع است. فلزاتی چون آلومینیم، بریلویم، تیتانیوم، فولادهای کربنی و آلیاژی، سوپر آلیاژ، فولاد ضد زنگ، مس، برنج و ... بطور گسترده در این روش استفاده می شوند. [1]

رفتار ماده در شکل دهی آن بسیار مهم است و فاکتورهایی چون اثر سرعت بر شکل پذیری و مقاومت ماده، پایداری هندسی و اثرات موج بر روی قطعه کار باید مد نظر قرار گرفته شود. همچنین اصطکاک بین سطح قطعه کار و سطح قالب نیز از جمله نکات مهم محسوب می شود. ضریب اصطکاک معمولاً با افزایش سرعت نسبی بین قطعه، قالب کاهش می یابد. در نتیجه این افزایش سرعت، دما به مقدار قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت و در نتیجه روانساز بین قطعه و قالب تجزیه شده و از بین خواهد رفت. در سرعت های بالا، دما ممکن است بعدی بالا که یک لایه نازک از فلز در سطح تماس قطعه و قالب ذوب شده و خود بعنوان روانساز عمل کند. [1]

ضرورت های استفاده از شکل دهی با سرعت بالا عبارتند از:

۱- امکان پذیر ساختن عملیاتی که احتیاج به انرژی های بیشتر از آنچه که در پرس های

معمولی قابل دسترسی است، دارند.

۲- کاهش هزینه های تولید.

۳- شکل دادن فلزات سخت، مثلاً خروج سریع داغ.

۴- شکل دادن فرم های پیچیده و چندپله ای.

۵- احتیاج به عملیات شکل دادن در مکانهایی که حمل و نقل دستگاههای سنگین مشکل است.

۶- حذف کردن عملیات حرارتی بین مرحله‌ای.

۷- کاستن از زمان شکل دادن.

۸- شکل دادن قطعات بسیار بزرگ.

انواع روشهای شکل دهی با سرعت بالا: [۲]

۱- الکتریکی، مانند:

الف- شکل دهی الکتروهیدرولیکی EHF^1

ب- شکل دهی الکترومغناطیسی EMF^2

۲- مکانیکی، مانند: دستگاه پنوماتیکی

۳- شیمیایی، مانند: انفجار مواد منفجره^۳، انفجار مخلوط گاز.

حال به توضیح می پردازیم به تعریف روشها

۱-۱- شکل دهی الکتروهیدرولیکی:

در این روش از امواج شوک و فشار تولید شده در اثر تبدیل انرژی الکتریکی به انرژی مکانیکی در یک محیط مایع، برای شکل دادن به فلز استفاده می شود. آزادسازی

- Electro hydraulic forming

- Electro magnetic Forming

- Explosive forming

انرژی می تواند بصورت بسیار کنترل شده ای صورت پذیرد. نحوه کار بدین ترتیب است که مطابق شکل (۱-۱)، چند خازن شارژ شده که اصطلاحاً بانک خازن نامیده می شوند در یک محیط انتقال دهنده انرژی که معمولاً آب است، تخلیه می شوند. این محیط انتقال دهنده انرژی کل حجم داخلی قالب را پر کرده است و قطعه کار که معمولاً بصورت صفحه تخت و یا استوانه ای شکل است، درون آن قرار می گیرد و بین آن و قالب خلأ برقرار می گردد. سپس دو سیم ضخیم برق بصورت موازی به درون آب فرستاده می شود. در مرحله بعد، اختلاف پتانسیل بزرگی بین دو سیم اعمال می شود. این ولتاژ در عرض چند میکروثانیه جریان شدیدی بین دو الکتروود ایجاد می کند. این جریان معمولاً از طریق یک فیوز سیمی^۱، و یا رشته ای شبیه به رشته درون لامپ که در انتهای دو الکتروود نصب شده اند، برقرار می گردد. گذر جریان الکتریکی از درون آب باعث شکسته شدن سریع ملکولهای آن به اکسیژن و هیدروژن می شود. نتیجه این تجزیه سریع، انفجار هیدروژن در حضور اکسیژن است که بر اثر آن موج شوک شدیدی درون آب بوجود می آید. برخورد این موج با سطح قطعه کار باعث رانده شدن آن بدرون قالب و شکل دهی آن می شود.

[۲]

یک روش دیگر آن است که به جای آنکه تخلیه خازنها از طریق یک رشته فیوز سیمی انجام شود. مستقیماً و بدون هیچ واسطه‌ای از طریق فاصله^۱ بین دو الکتروود انجام شود در این روش معمولاً به ولتاژی بین ۱۰ تا ۳۰ هزار ولت برای ایجاد جریان نیاز است. در عمل روش اول ترجیح داده می‌شود، چرا که در این روش کنترل بهتری بر روی سیستم می‌توان اعمال نمود و مهمتر از آن به ولتاژ کمتر و بانک خازن کوچکتر و ارزانتری نیاز است. [۱]

عامل محدود کننده این روش، مقدار انرژی در دسترس از بانک خازن است، در حقیقت ابعاد فیزیکی بانکهای خازن موجود باعث شده است که روش *EHF* بیشتر برای شکل‌دهی قطعاتی با ابعاد کوچک و متوسط و ضخامت کم کاربرد داشته باشد. [۲]

معمولاً ساخت یا خرید یک سیستم *EHF* بعنوان هزینه اولیه کمی گران تمام می‌شود اما ارزان بودن فرایند تولید به آنها جبران هزینه اولیه را خواهد نمود.

۲-۱- شکل‌دهی الکترومغناطیسی

در این روش که روش «شکل‌دهی با پالس مغناطیسی»^۲ نیز نامیده می‌شود، مستقیماً از دو میدان مغناطیسی پالسی شکل برای شکل دادن قطعه کار استفاده می‌شود. این

- Gap

- Magnetic- pulse forming

میدان‌های مغناطیسی نیروهای بزرگی را برای یک بازه چند میکروثانیه‌ای به قطعه وارد می‌کنند که در اثر آن فرایند شکل‌دهی انجام می‌شود.

اصول کار یک سیستم EMF بدین صورت است که مطابق شکل () یک بانک خازن به کوپلی که دورادور قطعه کار را احاطه کرده است تخلیه می‌شود. جریانی که در اثر این تخلیه بار درون سیم پیچها جریان می‌یابد، میدان مغناطیسی‌ای در اطراف کوپل ایجاد می‌کند که قدرت آن با جریان گذار متناسب خواهد بود. این میدان مغناطیسی به نوبه خود در قطعه کار جریان الکتریکی بوجود می‌آورد. طبق قوانین الکترومغناطیسی، جهت این جریان القائی به سمتی خواهد بود که میدان مغناطیسی حاصل از خود این جریان ثانویه که حول قطعه کار تشکیل می‌گردد. با میدان مغناطیسی اصلی مخالفت نماید. لذا این دو میدان یکدیگر را بشدت می‌رانند که حاصل این برهمکنش، تغییر شکل قطعه کار می‌باشد. [۲]

سیم‌پیچها می‌توانند بصورت‌های گوناگون، مثلاً بصورت تخت استوانه‌ای یا به شکل‌های دیگر ساخته شوند تا بتوانند پالسهای الکترومغناطیسی را به شکلهای متناسب با شکل مطلوب قطعه کار تولید نمایند. همچنین برای تغییر شکلهای خاص، امکانپذیر است که شدت میدان و نیروی حاصل را در نواحی خاص از قطعه کار متمرکز نمود. این

کار بوسیله سازه‌های رسانائی بنام «تمرکز دهنده‌شار»^۱ که در فاصله مناسبی بین کوئل و قطعه کار قرار داده می‌شوند، انجام می‌شود. [۱]

موفقیت روش EMF به خواص الکتریکی ماده تحت شکل‌دهی بستگی دارد مثلاً مواد مورد استفاده نباید دارای مقاومت الکتریکی بیش از $15 \mu\Omega.S$ باشند. [۱ و ۲]
لذا فلزات مناسب برای شکل‌دهی با این روش عبارتند از مس، آلومینیم، فولاد نرم، برنج، طلا و نقره و فولاد ضد زنگ، برای شکل‌دهی مواد نارسانا، باید بین این مواد و کوئل دستگاه، از مواد رسانا پر شود تا نیروهای مغناطیسی بر آنها عمل کنند.

۲- شکل‌دهی به روش چکش آبی [۳]

ترتیب فرآیند شکل‌دهی به روش چکش آبی برای شکل‌دهی ورقه‌های نازک؟؟؟ در شکل زیر نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌کنید قطعه کار در انتهای ستون آب آن طرف پیستون متحرک قرار داده شده است انرژی ورودی در اثر برخورد چکش به پیستون ایجاد می‌شود و با حرکت موج ضربه در پیستون این انرژی منتقل می‌شود.
زمانیکه موج به انتهای پیستون می‌رسد قسمتی از آن منعکس می‌شود و قسمتی عبور می‌کند. موج انتقال یافته در طول ستون آب با سرعت موج در آب منتشر می‌شود (تقریباً $1450 m/s$). موقعیکه این موج به قطعه کار برخورد می‌کند، قطعه کار با سرعت بالایی شتاب گرفته و داخل قالب شکل می‌گیرد.

۴- شکل دهی انفجاری: [۴]

از میان روشهای شکل دهی با سرعت بالا، روش بکار بردن مواد منفجره شیمیایی، مورد مطالعه وسیعتر و دقیق قرار گرفته است و به طور وسیعی نیز، به کار گرفته می شوند. مواد منفجره در ابتدا برای تخریب و نیز در جنگها به کار می رفته است. مونر و (۱۸۸۸) و جونز (۱۹۰۹) با بکارگیری مواد منفجره برای درج لغات بر روی فلزات و مواد دیگر پایه شکل دهی انفجاری فلزات را بنا نهادند. امروزه، بیشتر محصولات تولیدی از این طریق، توسط تکنیک انفجار در زیرآب، تولید می شوند که مهمترین و جالبترین آنها می تواند تولید پوسته موتور موشک، پوسته موتورهای جت و صفحات منعکس کننده امواج در رادار باشد در آمریکا به دلیل برانگیخته شدن مسائل تکنولوژی جنگ فضائی (جنگ ستارگان) که احتیاج به تولیدات بزرگ و بسیار پیچیده دارد این روش تولید مورد توجه و علاقه بیشتری قرار گرفته است. فرآیند شکل دهی انفجاری روشی است که در آن به کمک انرژی حاصل از انفجار خرج انفجاری، ورق با شتاب زیاد در زمان بسیار کوتاهی در حفره قالب شکل می گیرد. ساخت قطعات فلزی به روش شکل دهی انفجاری بنا به موقعیت ماده منفجره که اصطلاحاً به آن خرج می گوئیم به دو گروه عمده تقسیم بندی می شود. گروه اول مرسوم به «عملیات استقرار در فاصله» و گروه دوم موسوم به «عملیات تماسی» می باشد. در روش استقرار در فاصله خرج در فاصله معینی از قطعه کار منفجر می شود و انرژی حاصل از انفجار توسط یک محیط واسط به قطعه کار انتقال می یابد. در روش تماسی خرج انفجاری در حالیکه با قطعه کار تماس

دارد منفجره می شود. در این روش فشار حاصل از انفجار مستقیماً به قطعه کار منتقل می شود. این دو روش چه از لحاظ کیفی و کاربردی متفاوت می باشند. انتقال از «عملیات استقرار در فاصله» به «عملیات تماسی» موجب می شود که فشار به مقیاس یک هزار برابر افزایش، زمان به مقیاس یک هزار برابر کاهش و سرعت جابجایی فلز به مقیاس ۱۰ تا ۱۰۰ برابر افزایش یابد. مزایای عمده این روش تولید را می توان بشرح زیر بر شمرده:

۱- کوچکی ابزار مورد نیاز برای شکل دهی قطعات بزرگ.
۲- راحتی ساخت از جنس مواد ویژه که با شیوه های سنتی به آسانی شکل نمی گیرد.
۳- امکان ساخت قطعاتی که بدلیل اندازه جنس و یا هر دو عامل نمی توان آنها را با روشهای معمولی تولید نمود.

۴- امکان بدست آوردن تلرانسهای دقیق تر، نسبت به روشهای سنتی.

۵- کاهش بهای ساخت قطعات در تعداد کم.

۶- حداقل برگشت پذیری.

چنین سیستمی از چهار جزء اصلی تشکیل شده است که عبارتند از:

۱- منبع انرژی که همان ماده منفجره و یا گاز قابل انفجار است.

۲- محیط واسط انتقال انرژی که انرژی حاصل از انفجار را به قطعه کار می رساند.

۳- ماده مورد شکل گیری که اصطلاحاً به آن قطعه کار گرفته می شود و خصوصیت

شکل پذیری این ماده در توفیق فرایند نقش دارد.

۴- قالب، که میزان تغییر فرم قطعه را کنترل می کند و شکل نهایی قطعه کار را به آن

می دهد. مواد منفجره و چاشنی: [۵]

همانطور که می دانیم در پدیده احتراق و سوختن و آتش توسط هدایت مستقیم حرارتی از قسمت در حال سوخت به قسمت های دیگر سرایت کرده و گسترش می یابد. مکانیسم دیگری که مورد استفاده قرار می گیرد و باعث احتراق و گسترش آتش می شود انتشار شوک ناشی از انجام یک کار سریع مکانیکی است این امواج می توانند از طریق کار مکانیکی تولید شوند و با سرعت معینی حرکت کنند و در حین حرکت در داخل ماده انرژی خود را کم کم از دست می دهند، طبیعی است، که این انرژی به حرارت تبدیل شده و جسم داغتر می شود. اگر امواج (و به طور کلی امواج شوک دهنده قوی) با یک ماده منفجره برخورد کنند ممکن است باعث بالا رفتن دمای آن شده و نهایتاً به احتراق و انفجار آن منجر گردند. یک ماده منفجره از نظر ترمودینامیکی، وقتی که در وضعیت انفجار قرار می گیرد به حالت ناپایداری رسیده و حرارت زیادی تولید می کند. مواد منفجره معمولاً توسط یک چاشنی که باعث ایجاد امواج شوک دهنده می شوند، به حالت انفجار می رسند. فاصله چاشنی و انفجار اصلی بسیار کم است. و بنابراین آنچه که بعد از انفجار باقی می ماند محصولات گازی ناشی از انفجار در دمای بالا و فشار خیلی زیاد می باشد. (فشار تقریباً $2/5 \times 10^4 \text{ psi}$ می باشد) در انفجارات سرعت امواج ناشی از چاشنی حدود $10000 - 30000 \text{ ft/sec}$ و دما در جلوی امواج برای مدت بسیار کوتاهی به 10000 درجه سانتیگراد می رسد. مقداری از ماده منفجره را به صورت فرم داده شده، در داخل

لوله های فلزی قرار می دهند که به آنها چاشنی می گویند هدف از قرار دادن چاشنی، ایجاد انفجار هدایت شده در جهت صحیح است و سرعت مطلوب امواج در حدود 2000ft/sec می باشد. مشخصات اولیه یک ماده منفجره عبارتند از:

۱- مقدار حساسیت

۲- مقدار انرژی تولید شده از واحد جرم آن که به قدرت تخریبی موسوم است.

۳- شکل فیزیکی مواد منفجره بر اساس حساسیتی که دارند که این حساسیت از روی

نمودار فشار زمان بر هر ماده مشخص می شود. و به دو دسته تقسیم می شود.

۱- مواد منفجره ضعیف

۲- مواد منفجره قوی

خصوصیات انفجاری برخی از انواع مواد منفجره شیمیایی بصورت زیر می باشد. [۵]

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooch.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Calculated properties of Explosive Compounds

<i>Compound</i>	<i>Density</i>	<i>Energy</i>	<i>Streaming Velocity (ms⁻¹)</i>	<i>Velocity of detination</i>	
				<i>Calculated (ms⁻¹)</i>	<i>Observed</i>
<i>Nitroglycerine</i>	۱/۶۰	۶۲۸۳	۱۵۵۰	۸۰۶۰	۸۰۰۰
<i>PETN</i>	۱/۵۰	۵۸۸۱	۱۵۵۰	۸۱۵۰	۷۶۰۰
<i>Tetryl</i>	۱/۵۰	۵۸۱۰	۱۳۲۰	۷۵۵۰	۷۳۰۰
<i>TNT</i>	۱/۵۰	۵۴۱۳	۱۱۴۰	۶۴۸۰	۶۷۰۰
<i>Nitroguanidine Ammonium</i>	۰/۶۰	۲۶۵۸	۱۰۲۷	۴۰۴۰	۳۸۵۰
<i>nitrate</i>	۱/۰۰	۱۵۸۰	۸۳۲	۳۴۶۰	—

Calculated properties of commercial sive

Explosive type	Energy	Streaming Velocity (ms^{-1})	Velocity of detonation	
			Calculated (ms^{-1})	Observed
Blasting gelatine	۶۵۸۴	۱۵۴۰	۷۹۰۰	۷۸۰۰
Gelatine	۵۵۵۹	۱۲۹۰	۶۵۲۰	۶۶۰۰
Ammongelignite	۴۲۱۸	۱۲۲۰	۶۳۱۰	۶۰۰۰
Permitted gelignite (pl)	۳۲۷۷	۱۰۶۵ ^a	۵۸۵۰ ^a	۵۸۰۰
		۹۰۰ ^b	۵۰۴۰ ^b	
Nitroglycenerine powder	۳۷۳۷	۱۰۹۰	۴۲۷۰	—
Permitted powder	۲۱۳۲	۸۳۰ ^a	۳۴۹۰ ^a	۳۰۰۰
		۷۳۰ ^b	۳۰۶۰ ^b	
TNT powder	۳۹۸۴	۱۱۷۲	۵۰۶۰	۵۲۵۰

a: salt remaining cold.

b: salt in thermal equilibrium.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
 یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Detonation pressure of military Explosives

<i>Explosive</i>	<i>Density (gml^{-1})</i>	<i>Detonation Velocity (ms^{-1})</i>	<i>Streaming velocity (ms^{-1})</i>	<i>Detonstion pressure ($10^4 pa$)</i>
<i>RDX</i>	۱/۷۶۲	۸۶۳۹	۲۲۱۳	۳۳۷/۹
<i>TNT</i>	۱/۶۳۷	۶۹۴۲	۱۶۶۴	۱۸۹/۱
<i>RDX/TNT(۷۷/۲۳)</i>	۱/۷۴۳	۸۲۵۲	۲۱۷۳	۳۱۲/۵

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Detonation pressures of commercial Explosives (۳/۱۸ cm diam)

<i>Explosive</i>		<i>Detonation pressure</i>
<i>Name</i>	<i>Type</i>	<i>(۱۰^۳ pa)</i>
<i>Polar blasting gelatine</i>	<i>Gelatine</i>	۱۶۰ (<i>high velocity</i>)
<i>Belex</i>	<i>semi- gelatine</i>	۱۹ (<i>low velocity</i>)
<i>Polar Ajax</i>	<i>p\ gelatine</i>	۳۱
<i>unigel</i>	<i>p۳ gelating</i>	۱۳
<i>polar viking</i>	<i>p\ powder</i>	۹
<i>unifrax</i>	<i>p۳ powder</i>	۱۲
<i>carribel</i>	<i>pξ powder</i>	۶
<i>ANFO</i>		۵
<i>۱/۲ oil, ۵/۱۸ cm diam</i>		۱۱

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoochn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Variation of velocity of Detonation with cartridge Diameter

<i>Diameter (cm)</i>	<i>velocity of detonation (ms⁻¹)</i>	
	<i>TNT powder</i>	<i>Nitroglycerine powder</i>
۱/۹	۳۱۹۰	۱۸۳۰
۳/۲	۳۶۸۰	۲۲۵۰
۵/۱	۴۰۶۰	۲۶۱۰
۶/۴	۴۰۳۰	—
۷/۶	۴۱۰۰	۳۱۵۰
۱۰/۲	۴۵۶۰	۳۲۹۰
۱۲/۷	—	۳۴۴۰
۱۵/۲	۴۸۱۵	—
۲۱/۶	—	۳۹۲۰

مواد منفجره ضعیف: [۶]

انفجارهای ضعیف در فضاها محدود انجام می گیرند و مواد منفجره ضعیف معمولاً در ترکیبات بصورت ذرات دانه‌ای شکل به اشکال و اندازه‌های مختلف ساخته می شوند. سوزش این نوع مواد با گرما شروع می شوند و سوزاندن با افزایش فشار بطور خطی افزایش می یابد و ماکزیمم فشار متناسب با بار دانسیته خالی شده می باشد (حجم تقریبی مواد منفجره سوخته شده / وزن مواد منفجره = دانسیته بار)، فشار تقریبی $3/5 \times 10^4 \text{ pa}$ از دانسیته بار ۰/۲۶ گرم در سانتی متر مکعب نتیجه می شود زمان دست یافتن به فشار ماکزیمم و مدت سوختن معمولاً در محدوده ۵ تا ۲۵ میکروثانیه می باشد. دانسیته بار، شکل و اندازه دانه‌های مواد منفجره در قابلیت‌های انواع منفجره تاثیرگذار هستند.

۲- مواد منفجره قوی: [۶]

وسیع ترین مواد منفجره مورد مصرف دارای ترکیبات شیمیایی واحدی هستند که معمولاً از ترکیبات نیتروژن همراه با مخلوط الکلها و اسید نیتریک ساخته می شود. ماده اصلی با ترکیباتی از نرم کننده‌های چسباننده‌ها و پرکننده‌ها مخلوط می گردند. از شکسته شدن مولکول ماده منفجره، منواکسید کربن، دی اکسید کربن آب و مقدار زیادی انرژی تولید می شود.

فرآیند انفجار بصورت پیوسته در مدت زمان کوتاهی اتفاق می افتد، سرعت انفجار مواد منفجره بکار رفته بطور عادی تقریباً 6100 m/s است، فشار بطور آبی در جلو انفجار حدود $6/9 \times 10^9 \text{ pa}$ می رسد انفجار در مواد منفجره تجارتي با چاشنی آغاز می شود.

مقایسه بین انفجارهای قوی و ضعیف: [۶]

چنانچه اشاره شد، انفجارهای سبک در فضاهای بسته انجام می‌گیرد که دلیل آن می‌تواند، کاستی سر و صدای زیاد، باشد. در اینحالت انفجار و محصولات ناشی از آن به طور کامل در داخل ظرف قرار دارند. با انتخاب صحیح انفجارهای ضعیف می‌توان فشار اعمال شده به ابزار و قالبها را تا حد امکان کاهش داد. مواد منفجره قوی در مورد عملیات خاصی مثل فورجینگ و شکل دادن برای افزایش استحکام ورقها و غیره، در فضای باز به طرق مختلف به کار برده می‌شوند.

شکل دهی فلزات توسط انفجار ضعیف:

در این نوع شکل دهی چون انفجار در یک فضای بسته انجام می‌پذیرد بنابراین از نیروی انبساطی ایجاد شده توسط آن گاز در جهات زیر می‌توان استفاده نمود:

- ۱- برای شکل دهی مستقیم قطعه مورد نظر.
- ۲- فشردن یک سیال مثل آب یا روغن.
- ۳- وارد کردن نیرو به یک پیستون که خود پیستون بعداً یک سیال را تحت فشار قرار می‌دهد.

۴- شتاب دادن به یک پیستون و استفاده از انرژی جنبشی آن در صورتیکه تکه‌های ناشی از انفجار در اثر برخورد به قطعه اثر تخریبی به جای گذارند.

برای کشش ورق توسط انفجار ضعیف، بایستی ورق به طور محکم در یک ظرف فشار کوچک، بسته شود و سپس هوای زیرین آن تخلیه شود تا به هنگام انفجار، ورق به

شکل مورد نظر درآید. همین تکنیک برای کشش عمیق نیز به کار می‌رود. با این تفاوت که یک نگه دارنده ورق بجای رینگ قرار می‌گیرد. تا ورق اجازه کشیده شدن در جهت شعاع را داشته باشد.

شکل دهی فلزات توسط مواد منفجره قوی:

در اینحالت، غالب محیط اطراف انفجار باز است و مواد قالب باید طوری انتخاب شوند که برای مدت بسیار کوتاهی (میلیونیم ثانیه) نیروی فشاری بسیار زیادی را تحمل کنند و خود قالبها باید توسط نگهدارنده‌های قوی، حمایت و محکم شوند.

تخلیه قالب از هوا، در این حالت، بسیار ضروری است بخصوص اگر تلرانسهای دقیق مد نظر باشند زیرا در زمان بسیار کوتاهی عمل شکل‌دهی انجام می‌گیرد و در این فرصت کوتاه امکان تخلیه هوای زیرین ورق (در قالب) وجود ندارد، حبابهای هوا همچون چکشهای هوایی، باعث فرورفتگی یا برآمدگی در سطح ورق می‌گیرند.

زمانی که فاصله ماده منفجره و قطعه زیاد است، شکل‌دهی در هوای آزاد امکان پذیر بوده و بهترین حالت است، اما در فاصله کم و محاسبه شده، نتایج بهتر با بکار بردن ماده سیال متراکم‌تری مثل آب، روغن، فلز مذاب، آب نمک، شن و لاستیک بدست می‌آید.

انجام عمل شکل‌دهی بوسیله انفجار در هوا، دارای اشکالاتی از جمله مثلاً قطعات ایجاد شده از انفجار در برخورد با قطعات (یا خود قطعه مورد عمل) باعث سوراخ شدن و تخریب آن می‌شوند و از سوی دیگر، سر و صدای بسیار زیادی که در اثر انفجار در هوای آزاد تولید می‌شود. خود مساله دیگری است که محدوده کار در هوای آزاد را بسیار

تنگ می نماید. ضمن آنکه انفجار در سیالی مثل آب، روغن، فلزات سبک، مذاب و آب نمک فشار یکنواخت و استاتیکی مناسب را فراهم می آورد.

عملیاتی که در آنها از انفجارهای قوی استفاده شده است، عبارتند از:

۱- کشش ورق

۲- کشش عمیق

۳- فلانجینگ و افزایش استحکام ورق با شکل دهی

۴- *Sizing and explosive correction*

۵- *sheet flattening*

۶- منبسط کردن لوله که سرلوله را می بندند و در داخل لوله یک ماده منفجره قوی و بلند و خطی (دراز) قرار می دهند سپس لوله را پر از آب نموده و در آنرا بسته و انفجار را انجام می دهند.

۷- فرم دادن ورق بصورت کاسه یا شکل دادن آن به صورت مخروط که در سر موشکها بکار می برند.

حالتهای مختلف قرار گرفتن ماده منفجره نسبت به قطعه کار: [۷]

ممکن است ماده منفجره به قطعه ای که می خواهد شکل می شوند، چسبیده و یا دارای فاصله ای باشد و فشار ایجاد شده توسط یک محیط واسطه به قطعه منتقل شود در حالت دوم، بیشتر در مورد شکل دهی ورق، به کار می رود. در این حالت گفته شده است که فشار وارده به سطح ورق فولادی حتی به حدود 4000000 psi می رسد.

۱- منحنی (a) نشانگر تغییرات فشار فاصله برای انفجار چهار پوند تی ان تی در دو محیط آب و هوا می باشد.

۲- منحنی (b) نشانگر تغییرات فشار فاصله بر حسب مقدار وزن ماده منفجره است. محیط آب و سرعت موج 25000 ft/sa می باشد.

۳- منحنی (c) سرعت کاهش فشار موج انفجار در یک انفجار چسبیده به قطعه را نشان می دهد.

۴- منحنی (d) سرعت کاهش فشار موج انفجار در یک انفجار با فاصله نسبت به قطعه را نشان می دهد.

فشار موج انفجار با فاصله گرفتن از مبدا انفجار به سرعت کاسته می گردد، که عواملی چون وزن ماده منفجره، شکل ماده منفجره، محیط منتقل کننده، فاصله از قطعه بر سرعت کاهش موثرند.

مدت زمان انجام انفجار حدود ۱۰ ثانیه، اما وزن استهلاک نسبتاً طولانی تر است که با توجه به منحنی های (c) و (d) این موضوع را می توان مشاهده نمود.

شکل دهی به روش انفجار مخلوط گاز

در این روش از شکل دهی انفجاری، انرژی مورد نیاز بوسیله دتونیشن یک گاز قابل انفجار تامین می گردد در ملکول یک گاز قابل احتراق مانند متان یا بخار بنزین تنها اتمهای کربن و هیدروژن وجود دارند. این اتمها، اتمهای اکسید شونده محسوب می شوند و لذا برای اکسید شدن و آزادسازی انرژی حتماً نیاز به حضور ملکولهای

اکسیژن و ایجاد جرقه برای آغاز عملیات می‌باشد. در حالیکه برای مواد منفجره جامد و یا مایع، اتمهای اکسیژن هم در خود ملکول ماده وجود دارد و لذا ملکولهای آنها یکپایه نامیده می‌شوند.

یکی از گازهای مورد استفاده در این روش که هم اکنون نیز تحقیقات گسترده‌ای بر روی آن انجام می‌گیرد. گاز هیدروژن می‌باشد. این گاز بدلیل قابلیت‌های ویژه خود از جمله محتوای انرژی زیاد، ارزانی قیمت، پاکیزه بودن و سازگاری با محیط زیست اهمیت زیادی دارد و می‌تواند بعنوان یک منبع مناسب تولید انرژی از آن استفاده می‌شود.

[۸] بررسی رابطه بین مقدار گاز و نسبت استوکیومتری مخلوط آن با تغییر شکل فلز، زمینه اطلاعاتی و فنی لازم را برای استفاده از این روش فراهم می‌آورد. علاوه بر شکل دهی، قابلیت و توانائی استفاده از مخلوطهای منفجره شونده گازی در فرایندهای متنوع دیگری از قبیل سوراخکاری انبساط لوله‌ها، حکاکی، جوشکاری و روکشدهی ورقها فلزی نیز به اثبات رسیده است.

ساختمان یک سیستم شکل دهی با گاز که در شکل زیر نشان داده شده است. بسیار شبیه به یک سیلندر موتور احتراق داخلی است با این تفاوت که بجای دو سوپاپ، از سه سوپاپ استفاده می‌شود. یکی برای ورود گاز اکسید شونده، مانند هیدروژن و با متان، دیگری برای ورود گاز اکسیژن و سومی نیز در حقیقت همان سوپاپ دود و یا اگزوز است.

پس از آنکه محفظه دستگاه، با فشار و نسبتهای معین از گازهای ورود پر شد دریاچه‌های ورود بسته شده و آنگاه بوسیله یک شمع مخلوط هوا و گاز بنزین در سیلندر موتور باعث به پایین رانده شدن پیستون می‌شود. در سیستم مورد نظر ما هم انفجار مخلوط اکسیژن و هیدروژن باعث رانده شدن ورق فلزی بدرون قالبی می‌شود که از ابتدا بر روی دهانه آن قرار داشته است و در اثر این امر دقیقاً شکل قالب را به خود می‌گیرد.

اجزای یک سیستم شکل‌دهی انفجاری با مخلوط گازها

این اجزاء به ترتیب عبارتند از:

الف) سازه یا پایه نگهدارنده

تجهیزاتی نظیر میز و پایه‌ای فلزی که دستگاه بر روی آنها نصب می‌شود و باید در برابر وزن دستگاه و مهمتر از آن ضربه‌های مکرر ناشی از انفجار مقاوم باشند. به منظور ممانعت از انتقال ضربه به زمین، می‌توان در پایه‌های دستگاه، کمک فنرهای اتومبیل نصب نمود.

ب) محفظه‌های ذخیره گاز و لوازم انتقالی

برای تنظیم فشار گاز هیدروژن و اکسیژن و هوا و نگهداری آنها، از کپسول استفاده می‌شود. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که با توجه به خطر کار با هیدروژن، باید کپسولها حتماً مجهز به ما نومتر و شیرهای مطمئن باشند و نیز مجهز به یک رگولاتور مناسب برای انتقال گاز به درون محفظه دستگاه باشند.

پ) مدار جرقه:

یکی از قسمت‌های مهم این مجموعه سیستم جرقه و مخصوصاً تولید جرقه می‌باشد این سیستم شامل کلید، خازن و شمع می‌باشد که این سیستم مانند سیستم جرقه اتومبیل می‌باشد.

ت) سیستم آب‌بندی:

تجهیز دستگاه به قطعاتی نظیر درپوشها و واشرهای مطمئن برای آب‌بندی و نگهداری گاز در فشار مورد نیاز در درون محفظه انفجار، لازم است.

ث) قالب:

به جرات می‌توان گفت که مهمترین جزء هر سیستم شکل‌دهی است و باعث شکل‌گیری مطلوب قطعه کار می‌شود.

ث- الف. عوامل موثر در طراحی قالب:

یک عامل مهم که روشهای مختلف شکل‌دهی انفجاری را از لحاظ اقتصادی جذاب نموده، آن است که در این روشها معمولاً به یک نیم‌قالب- که غالباً شکل نیمه مادگی را دارد- احتیاج است. طراحی همین نیم‌قالب نیز به شدت متاثر از تعاملات (فنی و اقتصادی) است. برای طولانی‌ترین عمر قالب و حصول بهترین دقت در تولید، قالبی از جنس فولاد آلیاژی و عملیات حرارتی شده، بهترین انتخاب به شمار می‌رود. طبیعی است که این انتخاب، گرانترین نیز خواهد بود. این انتخاب در مواقعی که شمارگان قطعات تولیدی بوسیله قالب زیاد باشد (مثلاً در حدود چند هزار قطعه)، انتخابی مناسب به حساب می‌آید، چرا که هزینه اولیه بر روی تعداد زیاد قطعه سرشکن خواهد شد.

برعکس برای یک محدوده کوچک تولیدی، انتخاب یک قالب فولادی گرانیمت، باعث غیر رقابتی شدن فرایند تولید می گردد. در کارهای تحقیقاتی، تولید یک یا دو قطعه از یک طرح، امری عادی محسوب می شود. و بنابراین ساخت یک قالب فولادی گرانیمت مطلقاً توجیه اقتصادی ندارد.

لذا مهم است که بدانیم در این موقع چه باید کرد. بطور کلی برای تولید قطعاتی که تیراژ آنها در حدود یک یا دو عدد است باید به سراغ قالبی رفت که عمر و دقت آن در حدود همان دو قطعه باشد. قالبهای چوبی، بتونی، حفر شده در زمین گچی و پلاستیکی و حتی قالبهای یخی، قالبهایی هستند که با موفقیت برای تولید چنین قطعاتی استفاده می شوند. اگر برای تولید همین تعداد قطعه به دقت بیشتری نسبت به آنچه بوسیله این قالبها قابل دسترسی است، احتیاج داشته باشیم. قالبهایی از جنس چدن و یا آهن نرم گزینه های مناسبی خواهند بود.

قالب از هر جنسی که ساخته شود، باید قدرت مقاومت در برابر بارهای حاصل از شکل گرفتن قطعه در درون خود را داشته باشد. این بارها مشابه و هم مرتبه همان بارهایی اند که قطعه کار در اثر دریافت موج شوک احساس می کند. امواج انرژی ناشی از شکل دهی انفجاری، الگوهای تنش غیر معمولی را در درون ماده قالب تولید می کنند که برای به حداقل رساندن اثرات مخرب آنها، باید حتی المقدور از وجود گوشه های نیز در ساختمان قالب و وجود حفره و شکاف (کرمو بودن) در آن اجتناب شود. معمولاً ضریب اطمینان چهار برای جلوگیری از خرابی ناشی از القای شوک به درون قالب مناسب است.

در هنگام تعیین مقاومت مورد نیاز برای یک قالب، ابتدا باید قله فشاری را که برای شکل دهی به قطعه مورد نیاز است، محاسبه نمود و یا حداقل تخمین زد. برای تخمین این فشار حداکثر می توان از قوانین پایه فیزیک استفاده نمود. اما مشکلی که بر سر راه استفاده از این روابط وجود دارد. بازه زمانی بسیار کوتاهی است که اندازه گیری پارامترهای دخیل در آن را مشکل می سازد. پس از این تخمین، با استفاده از روشهای متداول تحلیل تنش، اندازه مناسب قالب تعیین می شود.

صافی سطح قالب باید همانند صافی سطح مورد نظر برای محصول تولیدی باشد، چرا که سطح قالب با همه جزئیاتش بر روی سطح قطعه کار منعکس خواهد بود.

هنگامیکه استفاده از حلقه مهار کننده مورد نیاز باشد، طراحی آن باید برای جلوگیری از چروک خوردگی لبه های قطعه کار کاملاً حساب شده باشد، مهمترین نکته در طراحی این حلقه، زمان باز و بسته کردن آن بر روی قالب است، استفاده از پیچ به عنوان یک روش اتصال. عالی بنظر می رسد. اما بخاطر زمان نسبتاً زیاد و بسته کردن آن، بازه کار را پایین می آورد. اگر نرخ تولید بالا باشد یک سیستم گیره هیدرولیکی، بعنوان یک ذخیره گر موثر زمان عمل می کند.

ج) سیستم تخلیه هوا:

همانگونه که در بخشهای قبلی هم ذکر شد، برای شکلگیری بهتر قطعه و جلوگیری از بروز آسیب هوای حبس شده در حفره قالب را تخلیه می کنند این کار با استفاده از یک پمپ خلاء انجام می گیرد. به علاوه قبل از ورود مخلوط گاز بدرون محفظه انفجار، باید

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

هوای موجود در آن نیز تخلیه گردد. از همین سیستم می توان برای خروج دود و

محصولات انفجار نیز استفاده نمود.

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document

Directory:

Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm

Title: :

Subject:

Author: SinaSoft

Keywords:

Comments:

Creation Date: / / : : AM

Change Number:

Last Saved On:

Last Saved By: hadi tahaghoghi

Total Editing Time: Minutes

Last Printed On: / / : : AM

As of Last Complete Printing

Number of Pages:

Number of Words: (approx.)

Number of Characters: (approx.)